

در گفت‌وگوی «وطن امروز» با حجت‌الاسلام دکتر ناصح بررسی شد

نزول قرآن کریم؛ دفعی یا تدریجی؟



بله! غیراز نظر مشهور، ۲ نظر دیگر هم درباره «ول ما نزل» وجود دارد که سوره حمد و سوره مدثر را اولین آیات نازل‌شده مطرح می‌کنند.این دو دسته از روایات نیز صحیح و قابل قبول هستند، چرا که مراد از اولین بودن سوره حمد این است که حمد‌اولین سوره‌ای است که به صورت یکجا و کامل نازل شده؛ همچنین مدثر نیز اولین سوره‌ای است که پس از دوران فترت (قطع موقت وحی) نازل شده است.

■ **درباره نزول خود قرآن کریم نیز ۲ دیدگاه نزول دفعی و نزول تدریجی بیان شده است. درباره این موضوع نیز توضیح دهید.**

قبل از توضیح باید روی این نکته تأکید کنم که اعتقاد به هر یک از این دو موضوع خلسی در قرآن کریم وارد نمی‌کند و اما درباره نزول تدریجی که دیدگاه بزرگانی نظیر شیخ مفید و آیت‌الله معرفت است باید بگویم بنده نیز طرفدار این نظریه هستم و معتقدم قرآن فقط به صورت تدریجی نازل شده است و مدافعان نزول دفعی قرآن باید به این سؤال پاسخ‌دهند که نزول یکباره چه عجب از آن فعلی نیز همان قرآن پیامبر است، اما نظر یکجا «لیله‌القدر» را مطرح می‌کند، در جای دیگر «فی لیله مبارکه» را و در سوره‌ای دیگر «شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن» را قائلان به نظریه نزول دفعی قرآن از جمع این آیات نتیجه می‌گیرند که قرآن در شب قدر به صورت کامل نازل شده است، اما در اینکه قرآن به صورت یکدفعه کجا نازل شده است، اختلاف فراوانی وجود دارد. برخی می‌گویند بر قلب پیامبر(ص) نازل شده است. برخی «بیت‌المعمور» را عنوان می‌کنند. برخی دیگر، آسمان‌های اول یا چهارم را محل نزول دفعی قرآن می‌دانند و عده‌ای نیز «لوح محفوظ» را ظرف نزول دفعی قرآن بیان می‌کنند.

قرآن به هر حال اگر بپذیریم قرآن به صورت دفعی نازل شده، به مشکل می‌خوریم، چون اگر بپذیریم نزول دفعی قرآن در شب قدر بوده است، این شب قبل از مبعوث شدن پیامبر بوده است یا پس از آن؟ اگر گفته شود قبل از بعثت بوده است که امکان ندارد، زیرا مگر ممکن است آنکه پیش از بعثت نبی در آن شب نازل شود؟ اگر هم شب قدر بعد از بعثت باشد، پس در مبعث چه اتفاقی افتاده است؟ آیا قرآن نازل نشده است؟ البته برخی برای جلوگیری از این تناقض، نظرانی را عنوان می‌کنند،از جمله اینکه مراد از «إنا أنزلناه فی لیلة القدر» این است که اکثریت قرآن و نه همه

آن، در شب قدر نازل شده است یا اینکه شب قدر همان شب مبعث است.
■ **سؤال دیگری که مطرح می‌شود،این است که آیا قرآن در نزول دفعی با همین جزئیات نازل شده است یا خیر؟** اکثر قریب به اتفاق قرآن‌پژوهان معتقدند قرآن به همین صورت و با همین الفاظ و کلمات در شب قدر نازل شده است.دانشمند بزرگی همچون علامه طباطبایی(ره) معتقد است آنچه در شب نازل شده «روح قرآن» بوده است. یعنی بسیط بوده و الفاظ و کلمات نداشته است و بعدها خداوند این روح را در قالب الفاظ و کلمات و به صورت ساده‌شده در طول ۲۳ سال بر مردم عرضه می‌کند.بزرگان دیگری نظیر شیخ مفید و آیت‌الله معرفت از بیان نظرات گوناگون درباره کیفیت نزول دفعی قرآن انتقاد می‌کنند و خود قرآن را مهم می‌دانند و می‌گویند که قائلان به نزول دفعی، معنای اصطلاحی کلمه «نزول» را در نظر گرفته‌اند، در صورتی که اگر روایات را در نظر بگیریم، شب قدر را شب برنامه‌ریزی می‌یابیم.بنابراین «إنا أنزلناه فی لیلة القدر» به معنای این است که خداوند می‌فرماید از آنجایی که قرآن از امور مهم و لازم برای مردم است، در شب قدر نسبت به نزول آن برنامه‌ریزی را در بیان نظرات گوناگون نیز در آیه سوره مبارکه دخان وجود دارد، آنجا که در ادامه آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ» آمده است: «هر امر حکیمی در شب قدر رقم می‌خورد»

آن، در شب قدر نازل شده است یا اینکه شب قدر همان شب مبعث است.

■ **سؤال دیگری که مطرح می‌شود،این است که آیا قرآن در نزول دفعی با همین جزئیات نازل شده است یا خیر؟** اکثر قریب به اتفاق قرآن‌پژوهان معتقدند قرآن به همین صورت و با همین الفاظ و کلمات در شب قدر نازل شده است.دانشمند بزرگی همچون علامه طباطبایی(ره) معتقد است آنچه در شب نازل شده «روح قرآن» بوده است. یعنی بسیط بوده و الفاظ و کلمات نداشته است و بعدها خداوند این روح را در قالب الفاظ و کلمات و به صورت ساده‌شده در طول ۲۳ سال بر مردم عرضه می‌کند.بزرگان دیگری نظیر شیخ مفید و آیت‌الله معرفت از بیان نظرات گوناگون درباره کیفیت نزول دفعی قرآن انتقاد می‌کنند و خود قرآن را مهم می‌دانند و می‌گویند که قائلان به نزول دفعی، معنای اصطلاحی کلمه «نزول» را در نظر گرفته‌اند، در صورتی که اگر روایات را در نظر بگیریم، شب قدر را شب برنامه‌ریزی می‌یابیم.بنابراین «إنا أنزلناه فی لیلة القدر» به معنای این است که خداوند می‌فرماید از آنجایی که قرآن از امور مهم و لازم برای مردم است، در شب قدر نسبت به نزول آن برنامه‌ریزی را در بیان نظرات گوناگون نیز در آیه سوره مبارکه دخان وجود دارد، آنجا که در ادامه آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ» آمده است: «فَیْهَا یُنَزَّلُ كُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ». یعنی ما قرآن را در شب مبارکی نازل کردیم، زیرا بر امر حکیمی در این شب رقم می‌خورد. در واقع خداوند با این بیان می‌خواهد بگوید از آنجا که قرآن هم یکی از امور مهم این عالم است، در این شب قدر رقم خورده است.البته ممکن است عده‌ای در برگردان کلمه «أنزل» در آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةٍ

محمد حسین کلهر: بار دیگر شب‌های پرفضیلت قدر از

راه می‌رسد و مؤمنان در جای‌جای میهن اسلامی با حضور در مساجد، اماکن متبرکه، حسینیه‌ها و هیات‌ها ضمن راز و نیاز با معبود خوش، قرآن بر سر می‌گیرند و قادر متعال را به کتاب آسمانی‌اش قسم می‌دهند تقدیری پر از خیر و برکت همراه با معنویت برای‌شان رقم بزند.اما این کتاب چه ویژگی‌هایی دارد که ما آن را به یگانه خالق آسمان‌ها و زمین قسم می‌دهیم؟ آیا می‌توان یک کتاب را معجزه دانست و آورنده آن را پیامبر خدا؟ اصولاً چرا اعراب قرآن را به عنوان معجزه حضرت محمد مصطفی(ص) پذیرفتند، آیا این پذیرش به دلیل شرایط خاص زمانی بود یا به دلیل جاذبیت سخنان قرآنی پیامبر؟

برای یافتن پاسخ سؤال‌های مذکور «وطن‌امروز» با حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌احمد ناصح، دکترای علوم قرآن و حدیث، عضو هیات علمی دانشگاه قم و نویسنده کتاب «تاریخ تفسیر قرآن کریم» گفت‌وگو کرد. در ابتدای گفت‌وگو کیفیت نزول قرآن کریم را بررسی کردیم و در ادامه به دلایل اعجاز «کتاب‌الله» پرداختیم. وی درباره اعجاز قرآن می‌گوید: از آنجایی که ویژگی‌های قرآن در هیچ کتاب دیگری نیست، از همان صدر اسلام ادعای اعجاز مطرح شد و قرآن به صراحت تحدی کرده است.

مطمئناً معاندان برای از بین بردن این دعوت به مبارزه قرآن، از هر طریقی اقدام کردند و مسلمانا که می‌توانستند مقابل دعوت قرآن بایستند، این کار را می‌کردند ولی اگر در مقابل معارف قرآن، حرفی برای گفتن داشتند، چرا دست به شمشیر برند و به زور متوسل شدند؟ چون توانایی ایستادگی در مقابل استدلال‌های منطقی قرآن را نداشتند و این شیوه برخورد کم‌هزینه را با شیوه برخورد فیزیکی و بره‌رینه تعویض کردند.

■ **درباره ترتیب و چیدمان فعلی سوره‌های قرآن، ۲ دیدگاه وجود دارد؛ برخی معتقدند ترتیب فعلی قرآن همان ترتیبی است که در زمان پیامبر اعظم(ص) نیز وجود داشته و در اصطلاح ترتیب قرآن «توقیفی» است. عده دیگری نیز ترتیب سوره‌های قرآن کریم را «اجتهادی» می‌دانند و معتقدند براساس ترتیب نزول نیست. نظر شما چیست؟** در «توقیفی» بودن قرآن کریم اتفاق نظر وجود دارد، اما در اینکه ترتیب فعلی نیز برخلاف نزول است، هیچ شکی وجود ندارد. گرچه برخی این نظریه را مطرح کرده‌اند که چندی از قرآن فعلی نیز همان قرآن پیامبر است، اما نظر عجمه و قابل قبول میان دانشمندان اهل سنت و تشیع این است که چنین فعلی قرآن برخلاف ترتیب نزول آن است. دلیل ما نیز وجود سوره‌های مدنی در اوایل قرآن است، در حالی که می‌دانیم این سوره‌ها در سال‌های اولیه بعثت نازل نشده‌اند.بنابراین ترتیب فعلی قرآن توقیفی است ضمن اینکه براساس ترتیب نزول نیست. این موضوع درباره خود آیات هم صادق است، یعنی اکثر اندیشمندان و قرآن‌پژوهان نظیر مرحوم آیت‌الله معرفت(ره) معتقدند چنین آیات در ضمن سوره‌ها توقیفی است، اما ترتیب خود آیات توقیفی نیست. البته بزرگانی همچون آیت‌الله خویی نیز تبعیت از ترتیب توقیفی است اما ترتیب خود سوره‌ها توقیفی نیست، بلکه اجتهادی است، یعنی بعد از رحلت پیامبر(ص) و در زمان صحابه هنگام تدوین و جمع‌آوری قرآن این اتفاق رخ داده است.

■ **کسی موضوع پیچیده شد! بالاخره ترتیب نزول و چنین سوره‌های قرآن به چه صورت است؟**

چنین فعلی سوره‌های قرآن اجتهادی است اما شکل‌گیری سوره‌ها قطعاً توقیفی است. این کار به دو شکل صورت می‌گرفته است. در اکثر قریب به اتفاق آیات اینگونه بود که پیامبر به کاتبان وحی می‌فرمودند تا وقتی «بسم‌الله الرحمن الرحیم» جدید نازل نشده است، آیه‌ای را که بیان

می‌شود در ادامه آیات قبلی بنویسند. به همین دلیل، کسانی که چنین را توقیفی می‌دانند، ترتیب طبیعی را در تدوین قرآن در نظر دارند. البته در چنین آیات قرآن موارد استثنائی نیز وجود دارد، مثلاً گاهی با اینکه «بسم‌الله» جدید نازل نشده و سوره هنوز تمام نشده بود، یک یا چند آیه نازل می‌شد و پیامبر مستقیماً بجای این آیات را تعیین می‌کردند. در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت ترتیب چنین آیات توقیفی است، اما این توقیف در برخی موارد استثنایی به صورت دستوری بوده است. یعنی بیش از ۹۵ درصد چنین آیات به صورت طبیعی است و کمتر از ۵ درصد آیات با توسیه و تأکید شخصی پیامبراعظم(ص) به ترتیب نزول در جای خود قرار نگرفته‌اند.

■ **شما به «بسم‌الله الرحمن الرحیم» اشاره کردید، درباره این آیه شریفه نیز اختلاف وجود دارد. عده‌ای آن را نخستین آیه نازل شده بر پیامبر می‌دانند و عده دیگری «إقرأ باسم ربک‌الذی خلق» را. دیدگاه صحیح کدام است؟** درباره این آیه «بسم‌الله الرحمن الرحیم» جزیی از قرآن است، شبهه‌ای وجود ندارد. اختلاف‌نظر موجود در این باره است که آیا بسم‌الله به تعداد سوره‌های قرآن و به صورت جداگانه نازل شده است یا خیر؟ اهل سنت معتقدند بسم‌الله فقط یک بار نازل شده و جزو یک سوره است، اما ما شیعیان معتقدیم بسم‌الله جزو تمام سوره‌هاست.بنابراین اولین آیه نازل شده بر پیامبر(ص)، «بسم‌الله الرحمن الرحیم» است و به دنبال آن ۵ آیه اول سوره مبارکه «علق» نازل شدند و این مورد که اتفاق همه دانشمندان شیعه و سنی است، این است که آغاز نزول قرآن در مبعث و با ۵ آیه ابتدایی سوره «علق» به همراه «بسم‌الله الرحمن الرحیم» بوده است.

■ **ظاهراً عده‌ای هم سوره حمد را اولین آیات نازله می‌دانند.**

شب قدر

الطاف‌بی‌کران‌الهی

■ آیت‌الله حبیب‌الله فرحزاد ■



مهم‌ترین شب‌ها شب قدر است که یک سوره قرآن برای شب قدر نازل شده است. خدا به پیامبر می‌فرماید: تو نمی‌دانی شب قدر چه شبی است (این عظمت شب قدر را می‌رساند). شب قدر بالاتر از هزار ماه است. در شب قدر تقدیرات نوشته می‌شود و ملائکه و روح تنزل می‌کنند و به محضر امام معصوم می‌رسند. باید این شب را جدی گرفته و از لحظه لحظه‌های این شب بهره بگیریم. خصوصاً شب بیست و سوم که احتمالاً شب نوزدهم و بیست و یکم را مقدمه‌ای برای درک این شب قرار داده‌اند. مهم‌ترین چیزی که در این شب موجب رضایت امام زمان(عج) و خداست، توبه نصوح است. در دعای ابوحمزه داریم: بین خدا و الطافش هیچ مانعی نیست الا ازروه‌ای بوج و اعمال زشت ما. گناهان حجاب ما شده است و خدا دوست دارد این حجاب‌ها را کنار بگذارد تا تاس و ارتباط با خدا برقرار شود. بعضی‌ها می‌گویند ما در عبادت نشاط نداریم. در جواب بزرگی به شاگردش (شاگرد را ای ولی من! خطاب کرده است) نوشته است: لنگ و لوک در راه خدا رفتن بهتر از چست و چلیک راه دیگر است. کسی که در دری را بگوید و اصرار بکند، در باز می‌شود. در ادامه می‌فرماید: لسان حال محب این باشد. خواهی به وصال کنوش، خواهی به فراغ، می‌فرارم از هردو، مرا عشق تو بی. ای ولی من، مرد بوده که ۳۰ سال سلوک کرده و یک ذره صفا در خود نیافته اما چنان دان که صفاها همه برای او باشد یا نه. مردا او تو را خواهد بود، هر کس با خدا باشد خدا هم با او خواهد بود. قبلا تو وفا کرده‌ای که به صفا برای تو می‌آید. خدا شکور است، خدا هیچ وقت ایمان کسی را ضایع نمی‌کند. همانا خداوند به مردم رثوف و رحیم است. هیچ کس در معامله با خدا زیان نکرده است؛ متوسر و دل ولی دار و از جای مرو، در دعای ابوحمزه داریم: خدایا اگر مرا زجر بدهی و دورم کنی، من جای دیگر نمی‌روم. من از تملق و چاپلوسی تو دست برنمی‌دارم و دل من مشاهدت می‌دهد که تو خوب خدایی هستی و مراقبول می‌کنی.

سایه حق بر سر بنده بود

عاقبت چوینده پاینده بود
اگر مراد پیش آید چیزی است که به راه بازماندنیام و اگر نامرادی باشد آن خود بر اصل واقع است. این راه را با اعتماد خدا می‌رویم. چشم داریم تا مرحمت او چه می‌کند. ما حقی پیش کسی نداریم که به نواز آن را بپوچیم. ما مقبر هستیم و خداوند غنی مطلق است، می‌پایزند و محتاج دردمند بی‌علاج افتادیم. ما ندانیم که بنده را بندگان یابد؛ کار خدا، خدا داند. گاهی ما می‌خواهیم کار خدایی بکنیم و با خدا دعوا می‌کنیم ولی اگر تسلیم خدا بشنیم خدا آن چیزی را که می‌خواهیم به ما می‌دهد. خداوند به حضرت داوود فرمود اگر تو تسلیم بشوی آنچه را که می‌خواهی به تو می‌دهم. افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد.

آنکه قصدش از خربین سود نیست

هیچ قبلی نزد او مردود نیست.
اگر بداندید خدا چقدر ما را دوست دارد و دوست دارد که ما توبه کنیم. خداوند به حضرت داوود وحی فرمود: «ای داوودا اگر پندهای فراری من که به من پشت کرده‌اند، باندند که من چقدر مشتاق برگشت آنها هستم، از عشق و محبت من جان می‌دهند». خداوند پندهای فراری را این قدر دوست دارد پس کسی که به سوی خدا هستند، چقدر دوست دارد و با آنها نیکو می‌کند؟ «ای داوودا وقتی بنده بیراهه می‌رود لطف و رحمت من زیاد می‌شود». اگر کسی پنج فرزند داشته باشد که همه سر به زیر هستند ولی یکی از آنها فراری گرفته باشد، تمام دغدغه پدر و مادر همان فرزند فراری است. خدا ما را خلق کرده است و می‌خواهد ما را دستگیری کند تا بازگردیم. خدا بزرگ است و بزرگ آفریده است. خدا کریم است و می‌خواهد کرامت خدا در بشر هم ظهور کند. در دعای جوشن کبیر، هزار اسم خداوند وجود دارد که تعداد صفات غضب خداوند خیلی کم است و همه صفات رحمت خداست. با حنان یا ممان. امام علی(ع) می‌فرماید: حنان یعنی کسی که ناله می‌زند دنبال گمشده‌اش. خوب است ما خدا را بشناسیم. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید «اگر فردی در ایام گرمای تابستان برای خدا روزه بگیرد و به سبب گرم‌ها تشنه شود، خدا هزار ملک را مأمور نوازش چهره او می‌کند و در هنگام افطار خدا به او خطاب می‌کند که بدن و بوی تو طیب است، ای فرشتگان شاهد باشید که من این بنده ششنام را بخشیدم.» از سوی دیگر، کسانی که عمداً روزه خوری می‌کنند، هنگام افطار گرفتار حالت نفرت و نکبت می‌شوند.

در روایت آمده «یا صدقه دادن رزق و روزی را از آسمان به پایین بیاورد». امیرمؤمنان علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «هر وقت مشکل مالی داشتید با دادن صدقه به دیگران یا خدا معامله کنید». در حدیث قدسی نیز آمده «خدا برای تمام کارهای خوب موکل دارد، جز صدقه که خودش با دستش آن را می‌گیرد».

اصولاً یکی از دلایلی که معجزه پیامبر اسلام از جنس کلمات و کتاب است، این است که معجزه هر پیامبری باید متناسب با پیشرفته‌ترین علوم آن زمان باشد. در زمان پیامبری مانند حضرت عیسی علی نبینا و اله و علیه‌السلام علم طب پیشرفت بسیاری کرده بود، بنابراین یکی از معجزات وی به علوم پزشکی و شفای بیماران مرتبط بود. یکی از جهانی که در هنگامه ظهور اسلام، بشر در آن بسیار پیشرفت کرده بود؛ شعر و شاعری و به طور کلی ادبیات عرب بود. «معلقات سبع» بیانگر همین موضوع است. ماجرا از این قرار است که در کنار کعبه، جایی در نظر گرفته شده بود که چیزی شبیه به همایش‌ها و گعده‌های امروزی در آن برگزار می‌شد. یعنی هر سال در ایام حج ابراهیمی، ادبا از اطراف و کناف جهان جمع می‌شدند و بهترین اشعار خود را ارائه می‌کردند و پس از دآوری، بهترین اشعار را بر دیواری در آنجا نصب می‌کردند. این اشعار تا زمانی که شعر قوی‌تر و بهتری ارائه نمی‌شد در همان جا باقی می‌ماند.

۷ قصیده معروف به «معلقات سبع» سال‌ها بر این دیوار نصب شده بود و کسی را یارای سرایش شعر بهتر و پایین آوردن قصاید هفتگانه نبود. اما قرآن به قدری جاذبه داشت که پس از شنیدن آیات آن توسط این داوران و ادبا، به سرعت تسلیم شده و «معلقات سبع» را پایین کشیدند.قرآن به دلیل ویژگی‌های ذاتی خود از قبیل فصاحت و بلاغت بسیار و همچنین از نظر محتوا و برنامه و نیز عقلانی و برهانی بودن و جامعیت از زمان خود تاکنون نقش محوری داشته و اعجاز آن غیرقابل انکار است.اگر مخالفتی هم با قرآن صورت می‌گیرد، به آن توہین می‌شود یا قرآن‌سوزی انجام می‌شود، به دلیل همین جاذبه‌های قرآن و بالا بودن میزان گرایش به آن انکار است.اگر مخالفتی هم با قرآن صورت می‌گیرد، به آن توہین می‌شود یا قرآن‌سوزی انجام می‌شود، به دلیل همین جاذبه‌های قرآن و بالا بودن میزان گرایش به آن انکار می‌کنند.چنانکه خود قرآن نیز می‌فرماید: «وَخُذُوا بِنَہَا وَاسْتَفْتَحُوا وَخِصِّمُوا غَیْرَہَا» یعنی عده‌ای به دلیل تکبر و از روی ظلم، خداوند و معاد را انکار می‌کنند، در حالی که یقین به آن دارند.

■ **این یقین، اختصاصی به قشر یا مذهب خاصی دارد یا هر انسانی را به صورت بالقوه شامل می‌شود؟**

یقین به نژاد و مذهب مرتبط نیست و هر انسانی می‌تواند در جایگاه خود به یقین برسد. داستان هجرت جعفر بن ابیطالب علیه‌السلام به حبشه را بارها شنیده‌ایم. چرا پادشاه حبشه که یک مسیحی است باید از مسلمانان حمایت کند و به قرآن احترام بگذارد؟

«جاشی» به خرد و عدالت شهره بود و اجازه داد مسلمانان از دعوای خود دفاع کنند.جعفر(ع) نیز آیاتی از قرآن را تلاوت کرد و این اعجاز قرآن بود که باعث حمایت نجاشی از مسلمانان و رد هدایای کفار شد.
مرحوم «سید قطب» در تفسیر «فی ظلال القرآن» داستانی را نقل می‌کند که شنیدن آن خلی از لطف نیست. وی در سفری در دریای، با مشاهده جنب‌وجوش کشتیان مسیحی در کشتی برای تبلیغ مسیحیت، در مقام عکس‌العمل برمی‌آید و پس از هماهنگی با ناخدای کشتی، روز جمعه روی عرشه کشتی به خطبه‌خوانی یک‌گام رو به جلو حرکت داده است. در زمان پیامبر اسلام(ص)، هم بشر این ظرفیت را پیدا کرده است و به عبارت دیگر تنها کتاب معجزه، هر خود یکجا اخذ کند و هم خود پیام‌آورنده به حدی رسیده بود که بتواند تمام برنامه را دریافت و سپس ابلاغ کند. یعنی همه بشر، هم کتاب آسمانی و هم پیامبری به کمال رسید.این کتاب برای بشری است که تا روز قیامت باید در این جهان زندگی کند.بنابراین باید به نیکوای باشد که پاسخگوی تمام نیازهای احتمالی باشد و به همین دلیل، تنها کتابی که معجزه است و به عبارت دیگر تنها کتاب معجزه، «قرآن» است. یعنی در این عالم، تنها یک کتاب وجود دارد که معجزه است و ویژگی‌هایی در آن وجود دارد که در هیچ کتاب دیگری نیست.

■ **«تحدی» و مبارز طلبی قرآن نیز ناشی از همین امر است؟**
آنجا که ویژگی‌های قرآن در هیچ کتاب دیگری نیست، از همان صدر اسلام این ادعا مطرح شد و قرآن به صراحت مبارز طلبی و «تحدی» کرده است. مطمئناً معاندان برای از بین بردن این دعوت به مبارزه با قرآن، از هر طریقی اقدام کردند و مسلمانا که می‌توانستند مقابل دعوت قرآن بایستند، این کار را می‌کردند و اگر حرفی برای گفتن داشتند، چرا دست به شمشیر بردند و به زور متوسل شدند؟ چون توانایی ایستادگی در مقابل استدلال‌های منطقی قرآن را نداشتند و این شیوه برخورد کم‌هزینه را با شیوه برخورد فیزیکی و پر هزینه تعویض کردند. جالب است که قرآن در مقابل همه این راه‌ها و برخورد‌ها، باز هم بر تحدی تأکید می‌کند. سسر آیات تحدی نیز در همین است. قرآن مدعی است از جانب خدا برای بشر آمده است و هر کسی که مخالف این مدعاست، کتابی مانند آن را بیابد و ۱۰ سوره مانند آن را بیابد (أَمْ یَقُولُونَ عِندَہَا لَیْلٌ فَأَنَّا یُؤْثِرُ مَثَلُہُ وَأَنَّا نَقُفُّ عَنْہُ لَمَّا رَآہُم مِّنَ الْجِبَالِ یَذُرُہَا کَمَا یُذُرُ السَّحَابُ) و می‌گوید تنها یک سوره مثل آن را بیابد (فأتوا بسورة مثله) اما بازهم مخالفان نتوانستند. توجه به این نکته بسیار مهم است که خود مخالفان نیز اعجاز قرآن را احساس می‌کردند و نمی‌توانستند با آن مقابله کنند.

■ **البته پذیرش این نکته که یک کتاب و مجموعه‌ای از الفاظ و کلمات، معجزه یک پیامبر باشد، برای برخی دشوار است.**
در پاسخ به این پرسش چند نکته عنوان شده است که تنها قسمتی که به قرآن مرتبط است، مطرح می‌شود. خداوند ویژگی‌هایی از قبیل «جامعیت»، «اولیاد بودن» و همه جهات را نگرینستند» و «توجه داشتن به تمام نیازهای بشری و تدوین برنامه برای آن» را در قرآن قرار داده است. به خاطر این ویژگی‌هاست که قرآن می‌تواند از زمان نزول بر پیامبر(ص) تا روز قیامت، هدایت بشر را متکفل شود و تمام نیازهای بشر را برآورده و پاسخ همه سؤالات وی را اجابت کند. بشر زمان پیامبر با بشر پیش از خود تفاوت‌هایی را داشته است و در هر دورای بشریت با همه رندهایی که داشته، نواقص و کمبودهایی داشته

انسان هر مطلب یا کتابی را بخواند، پس از مدتی برای وی تکراری می‌شود. انسان به گونه‌ای خلق شده که همواره درصدد کشف حقایق و نکات جدید است و علاقه به یافتن موضوعات و مطالب نو دارد. این واقعیت قرآن است که هر چه بیشتر خوانده و به آن توجه شود، ظرایف و نکات آن بیشتر آشکار می‌شود.

قرآن هر چه بیشتر قرائت و در معانی آیات آن تعمق شود، انسان روشن‌ضمیر را شیفته‌تر می‌کند. امام صادق(ع) علت این طراوت و تازگی همیشگی را اینگونه بیان می‌فرماید: «لَأنَّ اللهَ تَبارَکَ وَتَعالٰی لَیَّمْ یَخلُصَ لَیْمانٌ دُونَ رَیْمانٍ وَلاَ لِلنَّاسِ دُونَ نَفسِ فِئوُی فِی کُلِّ رَمانٍ جَیدٌ وَ عَندَ کُلِّ قومٍ غَیْ اِلی یومِ القَیامَہِ: اَنّا نَری فی قرآن اِله دلیل آن است که خداوند بلندمرتبه و بزرگ آن را برای زمانی به جز زمان‌های دیگر با مردمی به جز مردمان دیگر قرار نداده است. در هر زمانی، قرآن، جدید است و در نزد هر گروهی از روز قیامت از تازگی برخوردار است.» سایر کتاب‌های آسمانی دوران محدودی داشته و برای مدتی معین و در برهه‌ای خاص نازل شده‌اند. اما قرآن به عنوان یک کتاب برای همه نسل‌ها و دوران‌ها قرار داده شده و خداوند قرآن را اینگونه قرار داده است.

■ **دلیلی هم بر این مدعا اقامه شده است؟ به بیان دیگر به چه دلیل باید پذیرفت قرآن رنگ و بوی کهنگی به خودنمی‌گیرد؟**

ایین ویژگی به کنسه و ذات قرآن مرتبط است و اختصاص به آن دارد که به یک بازه زمانی یا نسل خاص محدود نمی‌شود. قرآن در همه نسل‌ها باید نقش

ایست؛ چون خداوند قرآن را به این شکل قرار داده است. به همین دلیل این ویژگی را در آن قرار داده که جاذبه دارد و هیچ‌گاه انسان از اینکه به سمت آن برود، خسته نمی‌شود. البته این بحث بسا مبحت خاتمیت ارتباط تنگاتنگی دارد. طبق اعتقاد ما مسلمانان، اسلام آخرین دین است و قرآن نیز به صراحت این موضوع را عنوان می‌کند: «وَلَکِن رَّسُولَ اللهِ وَخَاتَمُ النَّبِیِّینَ...» یا «إِنَّ الدِّینَ عِندَاللهِ الْإِسْلامُ» و همچنین «مَنْ بَیْعَ غَیْرِالِإِسلامِ دینًا فَلَنْ یُقبَلَ مِنَّه» در فلسفه خاتمیت یک بحث جدیدی وجود دارد که البته از گذشته نیز بدان توجه شده است و افرادی مانند مرحوم اقبال لاهوری، شهید مطهری و دکتر شریعتی به آن پرداخته‌اند. این مبحت عنوان می‌کند: فلسفه خاتمیت چیست و چطور می‌شود خداوند در یک زمان، دینی را می‌فرستد و بعد از آن تصمیم می‌گیرد هیچ دین دیگری را نفرستد؟ در پاسخ به این پرسش چند نکته عنوان شده است که تنها قسمتی که به قرآن مرتبط است، مطرح می‌شود. خداوند ویژگی‌هایی از قبیل «جامعیت»، «اولیاد بودن» و همه جهات را نگرینستند» و «توجه داشتن به تمام نیازهای بشری و تدوین برنامه برای آن» را در قرآن قرار داده است. به خاطر این ویژگی‌هاست که قرآن می‌تواند از زمان نزول بر پیامبر(ص) تا روز قیامت، هدایت بشر را متکفل شود و تمام نیازهای بشر را برآورده و پاسخ همه سؤالات وی را اجابت کند. بشر زمان پیامبر با بشر پیش از خود تفاوت‌هایی را داشته است و در هر دورای بشریت با همه رندهایی که داشته، نواقص و کمبودهایی داشته